



۲۰۱۳/۰۴/۲۲

انجنیر فضل احمد افغان

چرا فرزندان یک مادر باهم بیگانه شدند؟

در این اواخر مقاله دلسوزانه جناب دانشمند گرانمایه داکتر صاحب سید خلیل الله هاشمیان را که تحت عنوان "در ترا میگویم دیوار تو بشنو" در ویب سایت وزین افغان جرمن آنلاين به نشر رسیده بود با علاقه مندی خاص خواندم و با تائید از اندیشه های جناب دانشمند با خود گفتم که چرا فرزندان یک مادروطن یعنی افغانستان عزیز علی الرغم تمام دردها و مصیبت های سی و پنجسال گذشته در مادروطن عزیز درس عبرت نگرفته باهم بیگانه شده اند یعنی خواهران و برادران یک مادر که بنابر جبر زمان بعد از کودتای خونین و ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ هه ش و جنگ های تحمیلی خونین داخلی از آغوش پرمحبت مادر جدا و به کشور های مختلف آواره و دور از افتخارات فرهنگی و کلتوری ملی افغانی به حیث مهاجر در درد مادر و عشق سرشار خدمت به مادر زیست و چار و ناچار می سوزند و می سازند به اساس کشورهای مقیم ذیل به اصطلاح عوام به سکه و ناسکه دسته بندی نموده اند یعنی.

۱- کشورهای سکه: پاکستان، ایران، همسایه های شمالی، ترکیه، عربستان سعودی، امارات عربی را به یک دسته و.

۲- کشورهای ناسکه: کانادا، اضلاع متحده امریکا، اروپا، هند و استرالیا را به دسته دومی جدا نموده اند. ما به خاطر داریم که قبل از کودتای خونین ۷ ثور ۱۳۵۷ و حتی دوران اشغال اتحاد جماهیر شوروی هزاران هموطن عزیز ما به مصارف ملیون ها دالر در رشته های مختلف در داخل و خارج از کشور تحصیلات عالی تخصصی و غیر تخصصی را برای خدمت به مادروطن تکمیل نموده بودند و آنهایی که فعلاً الحمدالله در کشورهای دسته دوم به حیث مهاجر حیات بسر می برند خود شان و با نورچشمان شان که در طول مدت مهاجرت دارای تحصیلات عالی شده اند می توانند به بازگشت دائمی و یا موقتی به مصارف بسیار کم غیر قابل مقایسه به معاشات خارجی در عوض خارجی هایی که نه به لسان های ملی، فرهنگ و کلتور افغانی آشنائی دارند و نه دلسوزی ای را که یک افغان برای اعمار کشور عزیز خود دارد با عشق و علاقه مندی خاص مصدر خدمات ارزشمندی به مادروطن عزیز خود شوند امروز متأسفانه توسط تعدادی از برادران خودکش بیگانه پرست که هنوز هم از منابع مختلف دالر ها، پوند ها، کلدارها، ریال ها، تومان های ایرانی و حتی روبل های روسی به منظور رسیدن اهداف باداران شان در جیب های شان می ریزد برادران و خواهران عزیز دلسوز و دانشمند هموطن خود را که در کشورهای دسته دوم زیست می کنند از حق مشروع شان که داشتن تابعیت کشور مقیم و مادروطن برای خدمتگذاری باشد محروم می سازند یعنی بدبختانه از ماست که برماست.

باید عرض شد که مطلب من از تمام خواهران و برادران که بنا بر جبر زمان در کشورهای دسته اول به حیث مهاجر در شرایط ناگوار و غیر قابل تصور مقیم می باشند نیست بلکه آنهایی اند که در مراجع استخباراتی کشورهای دسته اول دوسیه ها داشته و تا حال جیره خوران آنها بوده و برای منافع آنها کار می کنند و به دستور باداران شان خود را مستحق زیست در کشور عزیز خود و کشورهای دسته اولی با حفظ دارایی های دزدیده غیر مشروع شان در بانک های خارج می دانند و خواهران و برادران خود را که در کشورهای دسته دوم زیست می نمایند از حق زیست در مادروطن محروم می نمایند مگر اینکه از تابعیت کشور مقیم خود منصرف یعنی تمام امتیازات مادی و معنوی خود و فامیل های خود را از دست داده غلام غلامان اغیار شوند و هرچه بالای شان آمد بادا باد امیدی برگشت به کشور مقیم خود را نداشته باشند اما رهبران تنظیمی با فامیل ها و متعلقین شان که نوکران باداران کشور های دسته اولی اند خود و یا فامیل و متعلقین شان با عرض معذرت هر وقت در مادروطن خاری زیر دم شان آمد بدون تشویش به کشور بادار خود چون خانه خویش رفته تا هروقت که بخواهند اقامت و هر زمان که تشویش شان رفع شد دوباره به مادروطن اصلی خود برگردند یعنی برای آنها موضوع دو تابعیت مطرح نیست و به استدلال این که اسلام سرحد ندارد کشورهای اسلامی را ولو در آن غلام باشند کشور نئه خود می دانند.

همچنان به عرض هموطنان گرامی میرسانم که نظام اقتصاد، سیاسی، اجتماعی و دفاعی خراب شده امروزی مادروطن عزیز ما که در اثر تجاوزات خارجی و جنگ های تحمیلی داخلی به میراث مانده همه کشورهای دسته اول و دسته دوم فوق الذکر بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم از آغاز کودتای خونین هفت ثور برای رسیدن اهداف

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

شوم شان دخیل و بالای عده ای از غلامان وطفروش سرمایه گذاری و امروز از زور و زر آنها به نفع خود بهره برداری می کنند به این معنی که:

با وضع موانع قانونی یعنی داشتن حق دو تابعیت برای وارد شدن متخصصین با تجربه سنوات قبل از مهاجرت و جوانان با انرژی تربیه شده دوران مهاجرت افغان در کشورهای دسته دوم بسیار محیلانه و ماهرانه میخوانند راه را برای استخدام متخصصین کشورهای خود در عرصه های مختلف چون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی زمینه سازی و هموطنان با احساس و با درد دانشمند ما را که با عشق سرشار برای سهمگیری برای آبادانی و آزادی مادر وطن از یوغ اغیار اند محروم و به مرور زمان علایق نسل های امروزی و فردا را با مادروطن اصلی شان قطع نمایند ولو اگر به تهدید و مرگ هم باشد.

برای اثبات آنچه در فوق راجع به مداخلات زهراگین و محیلانه خارجی ها و نوکران حلقه بگوش شان اظهار داشتیم در ذیل نوشته یک نویسنده امریکایی را ترجمه و به توجه شما می رسانم.

اینک قسمتی از نوشته تحقیقی نویسنده امریکایی بنام (Michael Sprngmann) را که سر قنسل اضلاع متحده امریکا در جده عربستان سعودی بود در ذیل نقل قول می نمایم.

" در اواخر سال های ۱۹۸۰م و اوایل سال های ۱۹۹۰ اضلاع متحده امریکا مجاهدین بنیادگرا را اجازه داد که هزاران میانه روها (Moderates) را بقتل برسانند."

" در نزدیکی ختم جنگ روسیه و افغان در اواخر سال های ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ مجاهدین بنیادگرا از طرف سی. آی. ای. و عربستان سعودی بصورت وافر تمویل گردیدند که هزاران میانه رو (Moderate) را به قتل برسانند تا بتوانند رقیبان را قبل از گرفتن قدرت محو نمایند، اضلاع متحده امریکا برای تمویل آن نه مخالفت کرد و نه حدودی تعیین کرد.

Cheryl Benard خانم زلمی خلیل زاد سفیر بعدی اضلاع متحده در افغانستان که در مؤسسه (RAND Corporation) متخصص اسلام بود چنین تبصره کرد که: " در اوایل همه چنین تصور میکردند که هیچ ممکن نیست که اتحاد جماهیر شوروی شکست داده شود، فلذا یگانه راه برای ما این بود که حتی الامکان بدترین دیوانه ها را جست و جو و در مقابل شان قرار دهیم که البته توأم با تخریبات جانبی نیز خواهد بود. ما دقیقاً می دانستیم که این اشخاص کی ها اند و تشکیلات شان از چه قرار است و برای ما هیچ اهمیت نداشت. سپس ما برای شان اجازه دادیم که ختم شان کنید فقط همه رهبران میانه رو را بکشید. دلیلی که امروز ما در افغانستان رهبران (میانه رو) نداریم ما دیوانه ها را اجازه دادیم که همه را بکشند. آنها چپی ها، میانه روها و بین آنها را کشتند. آنها بین سالهای ۱۹۸۰ و بعد محو شدند. (۲۰۰۵، ۲۹۱)."

از ترجمه مطلب فوق به این نتیجه می رسیم که دشمنان مادروطن ما از آغاز نمی خواستند اشخاص میانه رو دانشمند در افغانستان جا داشته باشند حتی سعی داشتند که با کشتن برادر توسط برادر و یا فرار برادران و خواهران دانشمند از مادروطن و بقدرت نگهداشتن نوکران شان زمینه موجودیت و بقای طویل المدت متخصصین شان را در افغانستان مهیا و توسط متخصصین خود که اکثراً جاسوس (مخبر) می باشند نه تنها بیش از نود فیصد کمک هایی که بنام قروض و یا به اصطلاح بلاعوض برای مصارف متخصصین به دولت افغانستان پرداخته می شود دوباره از افغانستان خارج و نیز زمینه استقاده غیرعادلانه سرمایه های ملی ما را با تنمیع نمودن اولیائی امور مساعد، فساد اداری و بد اخلاقی ها را توسعه می بخشند.

هموطنان نهایت گرانقدر و طندوست! من به این باورم که دولت افغانستان از آغاز ۲۰۰۲م یعنی دوره انتقالی برای احیا و اعمار مجدد افغانستان ویران شده از نیروی تربیه شده افغانی که دارای تجارب و اندوخته های عالی قبلی بودند و بنا بر شرایط ناسازگار به کشورهای اغیار مهاجر و به آرزوی روزی بازگشت آبرومندان بوطن و خدمت بودند شرایط بازگشت دائمی و یا مؤقتی شان از طرف دولت مهیا و جلو فرار هزارها میلیون دالر از کشور و فساد اداری را که منشاء و اساس آن متخصصین و مستخدمین خارجی اند می گرفت و همچنان پلان طویل المدت را برای بازگشت دائمی و یا مؤقتی جوانان امروز و فردای افغان که از مؤسسات عالی تعلیمی کشورهای مقیم خود فارغ اما از فرهنگ و کلتور افغانی خود دور و حفظ هویت ملی افغانی شان نیز در مخاطره است به موافقه دول دسته دومی و حتی هند پروگرام منظم را با آموزش از تجارب (USA Peace Corps) در سالهای ۱۹۶۰م در افغانستان و کشورهای دیگر کار می کردند برای افغانستان نیز تحت نام (Afghan Peace Corps) را تأسیس نمودند تا جوانان افغان برای مدت یک الی دو سال داوطلبانه به معاش مناسب برای خدمت در مؤسسات مختلف دولتی و خصوصی به افغانستان سفر تا از یکطرف مصدر خدمت به مادروطن میشدند و از جانب دیگر با فرهنگ،

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

کلتور، عنعنات و زبان های افغانی آشنا و در بازگشت تجارب خود را با دیگر جوانان شریک و خارج از کشور نیز مصدر خدمت به وطن آبایی و اجدادی خود می شدند و این آرزو وقتی برآورده شده می تواند که دولت افغانستان تابعیت دوگانه را برای افغان های مهاجر مخصوصاً کشورهای دومی قبول و منظور نماید. بناءً وظیفه و مسؤولیت تمام افغانهای وطن دوست است که متحداً صدای خود را بلند و دولت را قناعت بدهند که لطفاً با قبولی تابعیت دوگانه برای افغان های مهاجر به منظور ارتقاء و پیشرفت سریع افغانستان عزیز فرصت خدمت در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی داده شود.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ